فروردین - اردیبهشت ۱۳۴۸ — دورهٔ ششم، شماره چهل و هشتم

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

یك سالگرد بزرگ

۹۹ سال از میلاد پیشوا و متفکر داهی انقلاب، ولادیمیر ایلیچ لنین میگذرد. وی تمام زندگی خود را وقف ایجاد زندگی نو و نظام نوینی ساخت که باسادت مادی و معنوی بشر خاتمه بخشید. لنین میگفت سوسیالیسم یعنی «ظهور یك نوع جدید دموکراسی، نوعی که در مقیاس تاریخ و جهانی حائز اهمیت است». وی میگفت: «تا زمانیکه مالکیت در چنگ سرمایه داران است هرگونه دموکراسی تنها سالوسی و استبداد بورژوازی است که پرده بر چهرهٔ خودکشیده است.» وی میگفت دموکراسی واقعی زمانی است که بر خلاف آنچه شاهان گذشته میگفتند «دولت یعنی من» خلق زحمتکش بگوید: «دولت یعنی ما». این آرزو در اتحاد شوروی وطن اکتبر و نخستین کشور سوسیالیستی جهان و نیز در دیگر کشورهای سوسیالیستی جامهٔ عمل پوشیده است. سال آینده سدهٔ میلاد لنین است حزب ما بزودی به پذیرهٔ این سالگرد ارجمند خواهد رفت.

بحران مناسبات ایران و عراق و مسئله شط العرب

مناسبات ایران با کشور همسایه ما عراق همواره تابع رژیمهای حاکم در دو کشور و سیاستهائی بوده است که زمامداران ایران و عراق تعقیب مینموده اند.

در دوران سلطه عبدالاله و نوری سعید در عراق مایین دو رژیم سلطنتی همکون هیئت بهترین و دوستانه ترین مناسبات حکمفرما بود. زمامداران دو کشور بیاری هم جنبش ملی هکدیگر را در دو طرف مرز سیخانه سرکوب میکردند با رهبری و مداخله امپریالیسم پیمانهای تجاوزی نظامی سعدآباد و بغداد یکی پس از دیگری انعقاد میافت، گوئی هیچ حقی از ایران سلب نمیگردید و همه چیز سیر طبیعی خود را می پیمود و جای هیچگونه نگرانی نبود.

با انقلاب چهارده تموز ۱۹۵۸ در عراق و برچیده شدن بساط خاندان هاشمی یکی از مطمئنترین پایگاه های امپریالیسم و ارتجاع جهانی در خاورمیانه درهم فروریخت، دربار ایران که یکی از متعدین پر و پا قرص خود را از دست داده بود برای این باصطلاح «ضایعه عظیم» یك هفته تمام عزا داری نمود.

از این پس مناسبات دو کشور که دارای رژیمهای ماهیتاً متفاوتی شدند علیرغم برخی کوششها روز بروز تیره تر میگردید بحران کنونی شط العرب یکی از مظاهر آن است.

دنباله در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران بمناسبت جشن اول ماه مه روز همبستگی بین المللی زحمتکشان سراسر جهان بشما شادباش میگوید.

زحمتکشان ایران در شرایط گوناگون گناه نهان گناه آشکار جشن اول مه را برگزار کرده اند. امسال جشن اول ماه مه با ۲۵ مین سال تأسیس «شورای متحده مرکزی» مقارن است لذا بجا میدانیم از این جنبش مهم سندیکائی کارگران ایران و خدماتش باجمال یاد کنیم:

۲۵ سال پیش در روز اول ماه کارگران ایران با تشکیل «شورای متحدهٔ مرکزی» پیروزی بزرگی بدست آوردند. پس از تشکیل «شورای متحدهٔ مرکزی» جنبش سندیکائی دامنهٔ باز هم بیشتری کسب کرده

دنباله در صفحه ۷

استعمار جمعی در نفت ایران گسترش مییابد

اخیراً دو قرارداد جدید نفت بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای نفتی خارجی بسته شده است. طبق اطلاعات منتشره در روزنامه های دولتی مختصات این دو قرارداد بقرار زیر است:

۱ - قرارداد با کنسرسیوم اروپائی - این کنسرسیوم مرکب است از کمپانی «اراپ» فرانسوی که یك شرکت دولتی است با ۳۲ درصد سهام - کمپانی «هیسپانول» اسپانیائی که یك شرکت مختلط دولتی و خصوصی است با ۲۰ درصد سهام - کمپانی «پتروفینا» بلژیکی که یك شرکت خصوصی است با ۱۵ درصد سهام - کمپانی «آجیپ» ایتالیائی که یك شرکت دولتی است با ۲۸ در صد سهام - کمپانی «او. ام. و» اطریشی با ۵ در صد سهام. منطقه فعالیت کنسرسیوم اروپائی در جنوب استان فارس و سه میل از خلیج فارس است که ۲۷۲۲۰ کیلو متر مربع را در بر میگیرد. مدت قرارداد از تاریخ شروع بهره برداری تجاری تا ۲۵ سال است.

۲ - قرارداد با شرکت نفتی کنتیننتال - این شرکت امریکائی است. منطقه فعالیت آن در شمال بندر عباس است که ۱۲۸۶۱ کیلومتر مربع را در بر میگیرد. مدت قرار داد

دنباله در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره حوادث مرزی «دامانسکی»

اخیراً گروه مائوتسه دون دست به عمل فتنه انگیزانه تازه ای زده است بدین معنی که در ناحیهٔ جزیرهٔ «دامانسکی» واقع در شط مرزی «اوسوری» دو بار دستور حملهٔ مسلحانه علیه مرزبانان شوروی داده است. این هجوم مسلحانه که با اعمال قساوت نسبت بمرزبانان شوروی همراه بود، از طرف این مرزبانان عقب زده شده است.

گروه مائو بعدها کوشید واقعیت را واژگون کند و بانگاه دعاوی ارضی یکجانبه اتحاد شوروی را به نقض مرز های خودمتهم گرداند. شایان توجه است که فتنه انگیزی مسلحانه مرزی از طرف گروه مائو مقارن تشکیل جلسهٔ غیر قانونی مجلس آلمان غربی در برلین غربی و در آستانه باصطلاح کنگره نهم حزب کمونیست چین انجام گرفت. هدف این عمل از سوئی مقابلهٔ با امپریالیزم و از سوئی تدارك زمینهٔ معنوی ضد شوروی برای کنگره نهم مائوئیست ها در چین بود. تجاوز مرزی چین در عین حال در آستانه تشکیل کمیسیون تدارکی احزاب برادر در مسکو روی داد. روشن است که یکی از هدف های آن جلوگیری از تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب برادر است. پیدایش اختلاف مرزی بین دو کشور سوسیالیستی غیر مفهوم نیست ولی غیر مفهوم است که کسانی که

دنباله در صفحه ۵

حکومت ایران به امپریالیسم وفادار است

روز ۱۲ آوریل ۱۹۶۹ رادیو لندن جریان مصاحبه مطبوعاتی چالپی را که با «ادوارد هیث» رهبر حزب محافظه کار انگلستان هنگام بسلو گذشت او از سفر چهارده روزه‌ای بخاور میانه و خلیج فارس بعمل آمده منتشر میکرد. این مصاحبه از این جهت جالب است که بیش از پیش ماهیت سیاست مستقل ملی حکومت ایران را افشا میکند و بر ادعا های دروغ شاهانه خط بطلان جدیدی میکشد. «هیث» در این مصاحبه اعلام داشت که: «اگر ما در انتخابات آینده پیروز شویم... باز دیگر با دوستان خود بمذاکره خواهیم پرداخت و اگر مطمئن شویم که همه مایلند ما در منطقه خلیج فارس باقی بمانیم همین کار را خواهیم کرد... باید دانست که هیچکس از دولت انگلستان درخواست نکرده بود از خلیج فارس خارج شود. یکی از دوستان انگلستان شاه و حکومت ایران است به بینیم نظر و میل ایران دوست چیست؟ شاه بالصراحه نظر خود را به سر دبیر

دنباله در صفحه ۵

زندگی روزیه میتواند برای نسل بالنده، برای همه جوانان، برای همه مجاهدان سرمشق باشد: عشق به مردم، احترام به علم، تلاش شبان و روزان برای خدمت بجامعه، اراده بی تزلزل در پیکار، ایمان پولادین به آرمان، شفقت و محبت به یاران و مبارزان.

(به مناسبت یازدهمین سالگرد شهادت روزبه)

گسست از اردوگاه سوسیالیسم

(در اطراف حوادث مرزی شوروی و چین)

در اوایل مارس خبر گزاریها از زد و خوردی که در تاریخ دوم ماه مارس بین نیرو های مرزی شوروی و چین رخ داده بود خبر دادند که مقیاس آن از یك برخورد مسلحانهٔ مرزی تجاوز نموده موجب تلفات سنگینی شده است.

طبق خبر خبر گزاری شوروی واسنادی که در این زمینه انتشار داده شد باعث زد و خورد حملهٔ از پیش آماده شدهٔ نیرو های نظامی چین بوده است که در حدود بیش از یك هنگ در مرز خود روسری جزیره دامانسك تمر کز داده و حملات خود را با آتش توپخانه و مین انداز پشتیبانی میکردند.

نظیر این حمله با شدت بیشتر در تاریخ ۱۴ ـ ۱۵ ماه مارس تکرار شده است و با اینکه اکنون ظاهرا آرامش برقرار است سیر آینده حوادث را نمیتوان پیش بینی کرد.

بدیهی است زد و خورد مسلح بین دو کشور سوسیالیستی واقعه ایست آنقدر غیر طبیعی و دور از انتظار که نمیتواند توجه افکار عمومی را اعم از دوست و دشمن بخود جلب نکند. رادیو و مطبوعات بکن مانند همیشه با تمام قوا و امکانات خود میکوشند حادثه را دگرگون جلوه دهند و مسئولیت وقوع آنرا متوجه اتحاد شوروی بکنند. ولی واقعیاتی هست که خود زبان دارند و با هیچ منطقی نمیتوان جلوی آنها پرده کشید. از آنجمله است وقایع اخیر مرزی شوروی وچین. حتی نظر سطحی به محیط سیاسی ای که این حوادث در درون آن روی داده است برای روشن شدن حقیقت کافی است.

حادثه دوم مارس هنگامی رخ داد که:

۱) بحران برلن در نتیجه پروکاسیون آلمان غربی و تصمیم آن دولت به برگزاری جلسه انتخاباتی رئیس جمهور در برلن غربی شدت یافته بود؛

۲) بحران در خاور نزدیك در نتیجه پروکاسیونهای اسرائیل رو به تشدید بود و سر گرم شدن شوروی در خاور دور میتوانست موجب تضعیف موضع کشور های غربی گردد؛

۳) ناتو نیرو های خود را در دریای مدیترانه علیه شوروی تقویت مینمود؛

۴) دومغا کرات صلح پارس امریکائیها و نمایندگان ویتنام جنوبی احتیاج به تقویت موضع خود داشتند؛

۵) نیرو های فاشیستی در آلمان غربی بیش از پیش سر بلند میکردند و بالاخره

۶) پس از چند سال تهیه و تدارك جبهه متشوری احزاب کمونیستی و کارگری میرفت که صورت عمل بخود بگیرد.

مجموع این اوضاع واحوال حتی برای آنهائی که به ماهیت انترناسیونالیستی و علاقهٔ شوروی به حفظ وحدت در اردوگاه سوسیالیسم پی نبرده اند در صورت تفاوت غیر منتظره نمیتوانست روشن کننده نباشد بویژه اگر به نتایجی توجه کنیم که از این رویداد ها بدست آمده و یا ممکن بود بدست بیاید. چنانکه، اعتراضات شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی توأماً با ابراز ناراحتی و مخالفت های محافل خارجی و داخلی خود آلمان غربی در اواخر فوریه تزلزلی در تصمیم این دولت در بارهٔ گذراندن جلسهٔ انتخاباتی رئیس جمهور در برلن غربی بوجود آورده بود ولی حادثه دوم مارس آنرا برطرف ساخت و محافل ارتجاعی آلمان غربی را در اجرای تصمیم خود مصمم نمود. امکان آن بود که تشنج و اختلافی در جلسه تدارکتی مشاوره احزاب برادر که در ماه مارس تشکیل میشد رخ بدهد ـ موضوعی که همواره از جانب بکن دامن زده میشد و احتمالاً در این مورد هم یکی ازهدفهای گروه مائوتسه دون بوده است؛ بسته شدن مرز چین و جلوگیری از ارسال مهمات شوروی به ویتنام موضع امریکا و بایکوتن را در مذاکرات پاریس تقویت میشود ... الخ

با هر منطقی که بسنجیم خواهیم دید که خواه از نظر سیاست داخلی و خواه خارجی با یك پروکاسیون آماده شده ای از طرف بکن روبرو هستیم.

از نظر داخلی وقایع اخیر مرزی دنبالهٔ منطقی سیاستی است که طی ده سالهٔ اخیر نخست با احتیاط و سپس آشکارا از جانب مائوتسه دنبال میشده است. آنها با تعقیب سیاست ضد شوروی در صدد بودند توجه مردم کشور خود را از شکستهائی که در اجرای سیاست جهش بزرگ و تشکیل کمون ها دچار شده بودند منحرف سازند. این شکستها عدم رضایت شدیدی میان کادرها و فعالین حزبی برانگیخته و بگانه راهی که در این سراشیب برای گروه مائو تسه دون باقی مانده بود یك کردن حزب از عناصر آگاه و طرفداران اصلاح اشتباهات و ادامه همکاری با سایر کشورهای سوسیالیستی بود. «انقلاب فرهنگی» از اینجا منشأ میگرفت و باید گفت که از این نظر واقعاً «پیروزی» ادعائی این «انقلاب» کامل است. طی سه سال «انقلاب فرهنگی» حزب کمونیست چین از کادر های درجه اول تا مسئولین کوچك ترین سازمانها «تصفیه» و در حقیقت تاروماد گردید؛ در آستانهٔ کنگرهٔ نهم که پس از ۱۳ سال فاصله از کنگره هشتم و سه سال تلاش از طریق «انقلاب فرهنگی» و برقراری کنترل ارتش بر همه سازمانهای حزبی با عجله هر چه تمامتر برگزار گردید گروه مائوتسه دون هنوز بحق نگران اوضاع داخلی چین بود.

برای انتخاب نمایندگان کنگره که از اکتبر سال گذشته اقدام شده بود تا فوریه سال جاری تنها در ۸ استان از ۲۹ استان توانستند کنفرانسهای استان را تشکیل دهند و بالاخره نمایندگان کنگره برحسب «خدماتی که در راه اشاعهٔ اندیشه های مائو تسه دون انجام داده بودند» انتصاب شدند. در نواحی متعددی از کشور آرامش بوجود نیامده بود، چنانکه اکنون مقاومت درموارد بطور متشکل ادامه دارد. گروه هائی از کارگران و دهقانان که قادر به تحمل فشار های وارده نیستند «کمیته های انقلابی» یا بهتر: گوئیم مأمورین ارتش را مورد حمله قرار داده به کوه ها پناه میبرند. مثلاً بطوری که خبر گزاری ها اطلاع میدهند در شهر یاکتو در ناحیه یون نان در هزار نفر به سربازار خانه حمله در شده پس از تصاحب اسلحهٔ سربازان به دهکده رفته اند. در استان گوانتون سازمانهای ضدمائوئی بوجود آمده که یکی از آنها بنام «کمیتهٔ ملی نجات» متشکل از کارگران و دهقانان در اوراق منتشره مردم را دعوت به برانداختن مائوتسه دون کرده است. در ناحیه اسوانوتو گروه بزرگی از مخالفان مائو تحت نام «حزب دموکرات کارگران و دهقانان» دست به فعالیت زده است.

طبق نقشهٔ مائوتسه دون و گروهش کنگرهٔ نهم حزب میبایست بهر قیمتی قبل از تشکیل جلسه مشاوره احزاب برادر که قراربود درماه مه درمسکو برگزارشود وجلسه تدارکی آن برای ماه مارس پیش بینی شده بود تشکیل شود تا در تصمیمات کنگرهٔ هشتم که با روح مارکسیستی وانترناسیونالیسم و بر پایه همکاری برادرانه با کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردیده بود بنفع سیاست ماجرا جویانه فعلی این گروه تجدید نظر بعمل آورد.

منظور از پروکاسیونهای مرزی و طرح دعوای ارضی را بطور عمده باید ایجاد هیجان ناسیونالیستی و محیط مناسب برای اجرای این سیاست دانست که در عین حال از نظر زمانی بنحوی تهیه شده بوده است که احتمالاً در جلسه تدارکی مشاوره احزاب برادر هم تشنج و اختلافی ایجاد کند.

سیاست دعاوی ارضی بکن همانندهمان سیاست «منطقه حیاتی» است که همواره میلیتاریسم آلمان درجهت بسط سر زمین خود تا کوههای اورال تعقیب میکرد و بموقع بارها از طرف حزب کمونیست چین و خود مائو تسه دون محکوم شده بود.

بکن مدعی سر زمینی به مساحت شش میلیون کیلومتر مربع (اندکی کمتر ازچهار برابر ایران) است که همه آن اراضی از ملتهای دیگر مسکونند واین سوای مغولستان و قسمتی از آسیای میانهٔ شوروی است که آن نیز مورد ادعا است. این ادعا هنگامی طرح میشود که اراضی واقعاً متعلق به چین و مسکون از چینی ها از قبیل جزیرهٔ تایوان، هنگ کنگ، ماکائو در مقابل باجی که از عوائد فحشاء، قمار، قاچاق مواد مخدره به چین داده میشود، در اختیار امپریالیست ها و حتی پایگاه آنها در جنگ علیه مردم قهرمان ویتنام است.

خود بخود این پرسش پیش میآید که اگر ادعای مرزی بین کشورهای سوسیالیستی مجاز باشد چرا مغولستان داخلی نباید جزء کشور سوسیالیستی مغولستان باشد؟ چرا سرزمین های متصل به کرهٔ شمالی که ۱۶ میلیون کره ای در آن سکونت دارند نباید به کشور سوسیالیستی کره مسترد گردد؟ و آیا اگر میتوان به اعماق تاریخ رفت چرا کاشغر نباید مورد ادعای ایران باشد؟ و یا سالا جرا مرز واقعی را دیوار بزرگ چین نباید تشکیل دهد؟!

بدیهی است که اینها هذیانی بیش نیست و اگر در همین حد هذیان باقی میماند قابل توجه نمی بود. ولی اهمیت موضوع اینجاست که سیاستمداران بکن این دعاوی را با آگاهی به عواقب آن و استفاده ای که متجاوز ترین امپریالیست ها از آن خواهند کرد مطرح میکنند، و این آبی است که دانسته به آسیاب امپریالیسم ریخته میشود و هیچگونه توجیهی نمیتوان برای آن یافت.

این دعاوی به انتقام جویان آلمان غربی امکان داده است بیش از پیش در سیاست تجدید نظر در مرز های پس از جنگ و شکستن این مرز ها پافشار باشند. وروزنامه آلمان غربی «فرانکفورتر آلگه مایه» ضمن تفسیر اخبار مربوط به وقایع اخیر مرزی شوروی و چین رسماً مینویسد که مرز های فعلی اروپا هم نمیتواند قطعی و قابل تحمل باشد. روزنامه نئو فاشیستی «ناسیونال تسایتونگ» با خوشحالی و شعف به خواننده گان خود مژده میدهد که «اکنون دیگر در مطبوعات چین هم به اصطلاح «منطقه اشغالی شوروی» بجای جمهوری دموکراتیك آلمان برمیخوریم.

امریکا و آلمان غربی اکنون بیش از همه در انتظار بسط حوادث در خاور دور هستند، زیرا بسط این حوادث در جهت سیاستی که گروه مائوتسه دون پیش گرفته است آینده امید بخشی را بآنها نوید میدهد، امکان کامیابی هائی در ویتنام برای امریکا، رسیدن به هدف های انتقامجویانه برای مان غربی. روزنامه فرانسوی «لاتریبون دا تاسیون» از مقاله این حوادث چنین نتیجه میگیرد که آلمان غربی در انتظار یك تصادم آشکار بین شوروی و چین میباشد، زیرا چنین تصادمی دست آنرا درسیاست اروپائیش باز خواهد کرد. هم اکنون با بسته شدن راه خشکی رسانهٔ کمك به ویتنام و اعلام حکومت هندوستان دائر به عدم اجازه پرواز هواپیما های حامل مهمات جنگی برای ویتنام از آسمان این کشور آرامش خاطری برای امپریالیسم امریکا ایجاد شده است.

اینکه سیاست کنونی ضد شوروی بکن در موازات سیاست خارجی امریکا و آلمان غربی قرار گرفته است جای تعجب نیست. تبلیغات بکن از مدتی پیش شوروی را دشمن درجهٔ یك خود اعلام داشته است. منطق مبارزه دشمن درجه یك که استراتژی کنونی گروه مائوتسه دون است سازشهائی تا کنیکی با دشمنان دیگر را که آنها نیز شوروی را بعنوان دشمن درجه یك خود میدانند مجاز میکند.

مجله آلمان غربی «اشترن» اخیراً نوشت که «در سیاست خارجی اکنون چین متفق نوین حکومت فدرال است» و «طبق اطلاعی که

دنباله در صفحه ۳

دنباله از صفحه ۲

گسست از اردوگاه سوسیالیسم

(در اطراف حوادث مرزی شوروی و چین)

دیپلمات های غربی به حکومت مائو داده اند اخیراً پکن بشدت از تبلیغات ضد جمهوری فدرال کانسه است» و روزنامهٔ فاشیستی «ناسیونال تایبونک» اعلام کرد که «پکن برای سیاست حقیقی آلمان شانس بزرگی است ... چین آلمان را نجات میدهد» از همین زاویه باید پیشنهاد چندی پیش پکن را برای مذاکره با امریکا تجزیه و تحلیل کرد. گو اینکه این مذاکره بواسطه فرار کاردار و مأمور مخصوص چین از هلند و پناه یافتنش درامریکا متوقف ماند ولی آنرا نمیتوان متکی شمرد. علائم تجدید نظر در سیاست امریکا نسبت بچین را آشکارا نیز میتوان دید. از آن جمله ... موافقت حکومت نیکسون بارداشتن محدودیت بازرگانی بین آلمان غربی و چین امریکائی در روزنامهٔ آلمان غربی «دی وات» سرمقاله بیستم ماه مارس خود را بآن تخصیص میدهد و با پیشنهاد سناتور کندندی دائر به تجدید نظر در سیاست نسبت به چین پذیرش چین در سازمان ملل متفق و بیرون بردن واحدهای امریکائی از تایوان (روزنامه تایمز ۲۲ مارس ۱۹۶۹). هم اکنون آلمان غربی پس از ژاپن مقام دوم را در بازرگانی باچین احراز کرده است. ودر این معاملات وسیع سهم بزرگ را بعقیدهٔ روزنامه فلاندری «کانزران اون تی زت» اسلحه و مهمات جنگی تشکیل میدهد. عده‌ای نیز کارشناس از آلمان غربی برای کار در چین دعوت شده اند که طبق اطلاع روزنامه بفاری «رایوتلی چسکی دلو» بین آنها دو نفر کار شناس موشک سازی میباشند بنام ولفگانگ بیلتس و برنولد سی گر. جای تعجب هم نیست اگر آلمان غربی از حیث اسلحه و مهمات و کارشناس به چین کمک کند مگر نه اینکه اشتراوس وزیر دارائی و طرفدار متعصب سیاست تلافی جویانهٔ آلمان غربی با اشاره به چین گفت «دشمنان دشمن من دوستان من هستند» روزنامه ژاپنی «نی هون کیزاهی شیمبون» از قول خبرگزار خود از پن مینویسد: «اکنون تجدید نظر در مورد مناسبات آلمان غربی و پکن در دستور روز دولت آلمان غربی است».

اگر در بدو تیر گی روابط بین چین و سایر کشورهای سوسیالیستی پکن مدعی بود که موجب آن اختلافات ایدئولوژیک است وقایع اخیر در پوچ بودن این ادعا تردیدی باقی نگذارده اند. اکنون گسست کامل گروه مائوتسه دون با اردوگاه سوسیالیسم برای همه عیان است.

بد نیست چند کلمه‌ای از زبان وان‌مین یکی از رجال حزب کمونیست چین در باره ماهیت مدار کمیسیونی سیاست مائوتسه دون بشنویم. وان‌مین عضو سابقه دار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است که در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۵ مقام دبیری کمیته مرکزی را نیز عهده دار بوده است و اکنون دور از میهن خود بسر میبرد. وی در روزنامه کمونیستی «کانادین تریبون» مقالهٔ مفصلی منتشر ساخته که در آن مائوتسه دون را متهم میسازد به اینکه حزب کمونیست «از گناهان انتخابی حکومت چین را داخل نموده وارتش رهایخش ملی را آلت بلا اراده اجراء مقاصد خود ساخته است». وان مین مینویسد که «دست های رهبری انقلاب چین در معرض نابودی کامل است. ساختمان سوسیالیسم در معرض تلاشی است. گیرودار مائوتسه دون چین را به آنجائی راه تاریکی انداخته است که انتهای آن ارتجاع سیاسی، ورشکستگی اقتصادی، انحطاط فرهنگی و فقر است». وان مین مینویسد که واقعیات اخیر سقوط نفرت زائی را نشان میدهد که ماجراهای ضد شوروی و ضد کمونیستی بوجود آورده است.

در واقع هم سیاست ماجراجویانهٔ گروه مائوتسه دون حزب و مردم چین را در سرا شیب تند و خطرناکی قرار داده است. تنها بکمک زور، فریب وایجاد احساسات شوینیستی است که این گروه هنوز میتواند بکار خود ادامه دهد. مقاومت سه سالهٔ مردم چین در مقابل «انقلاب فرهنگی» و ماجراهای دیگر این گروه نشان داد که تحمیل چنین سیاستی و پنهان داشتن خطرات آینده آن چندان آسان نیست.

طی مدت بیست سال که از پیروزی انقلاب چین میگذرد مردم چین فرصت تشخیص داشته و باز هم خواهند داشت که تا چه اندازه برای ساختمان سوسیالیسم در چین و برای مبارزه با دشمن واقعی و آزمند چین یعنی امپریالیسم احتیاج به کمک همه جانبهٔ کشورهای سوسیالیستی و در درجهٔ اول اتحاد شوروی و وحدت عمل با این کشورها دارند.

پیروزی انقلاب چین و نخستین دست آورد های این انقلاب بکمک اتحاد شوروی و سپس کشور های دیگر سوسیالیستی بدست آمده است. پی ریزی تقریباً همهٔ صنایع معاصر چین از آنجمله صنایع اتمی آن با کمک مستقیم اتحاد شوروی و کشور های سوسیالیستی انجام شده است. اینها مسائلی است که مردم چین برأی العین دیده اند و پیش از پیش به اهمیت آن پی میبرند.

تردیدی نیست که کمکهای بیدریغ و احساسات برادرانه ای که دولت اتحاد جماهیر شوروی چه برای پیروزی انقلاب چین و چه در مورد ساختمان سوسیالیسم نسبت بخلق چین ابراز داشته است و همچنین سیاست صلح جویانه ای که دولت شوروی برای حل مسائل مورد اختلاف تعقیب میکند سر انجام فریب کاریها و سیاست ماجراجویانهٔ گروه مائوتسه دون را در برابر تمام توده های زحمتکش چین آشکار خواهد ساخت.

ع. ص.

روستای ایران در تنگنای دشواریها

در باره «دگرگونی روستائی ایران و تحول زندگی دهقانان» تبلیغات رژیم دهقوی فراوان دارد. اما واقعیت آنست که هفت سال پس از آغاز اصلاحات ارضی و در یافتن کار فروش زمین به دهقانان، روستای ایران با مشکلات فراوان روبروست. از یک طرف هنوز قریب نیمی از خانوار های دهقانی مشمول خرید زمین نشده اند و بعنوان مستأجر، بزرگر و کارگر کشاورزی در ارضی متعلق به مالکان، زمینهای خانمه و موقوفه اجاره کارشان قوت میشود، و از طرف دیگر برنامه‌های مسکین بعنوان قسط زمین، آب‌بها، مال الاجاره، حق السهم شرکتهای تعاونی، اجاره وام، کمبوده و یا فقدان کلیه کمکهای اعتباری، نهادنی ... دهقانان خرده‌پا را بر اکثریت دهقانان تحمیل کرده است. در سالی که گذشت وقوع زلزله در خراسان و سیل در مازندران، گیلان، خوزستان و آذربایجان غربی و شرقی موجب شد که هزاران خانوار روستائی از هستی ساقط شوند. در گیلان چندین دهکده به زیر آب رفت. در آذربایجان غربی ۳۵۰ قریه در محاصرهٔ سیل قرار گرفتند و کمک بطور کشاورزان مناطق و دیگر نقاط این استان از بین رفت و کشت بطلره نیز برای خشک شدن و دیگر مفقود گشت (کیهان ۱۸ فروردین ۴۸) ۴۵۰ قریه در آذربایجان شرقی ویران شد (کیهان ۱۶ فروردین ۴۸) زمستان سخت، برفهای معتد و بارندگیهای شدید سیب گردید که در بسیاری از نقاط کشور، اعتام دهقانان تلف شوند و یا محصول دهقانان نابود گردد. از جمله در خراسان ۳۰۰ هزار تن چادنیر که انبوه زحمات شبانه روزی عدهٔ کثیری از دهقانان بوده بر اثر سرمای شدید از بین رفت و علاوه بر این گرفتاریات قند از دامن کرد و بقر و مساعده به دهقانان به بهانه اینکه بقدمتر تحویل نداده اند خود داری حکومه اند و دولت هرچگونه حمایتی از دهقانان ننموده است. برخی از کارخانجات پنبه درشمال نیز تنه تن پنبه وان دهقانان باید بقر را نقداً خریداری کنند؟ از تحویل بقر به دهقانان بنبه کم امتناع نموده اند. در شرایطی که دولت مالیاتی بعنوان بهای زمین و یا وام و کمک بدهکاری پرداخت میکند هیچ مقامی بفکر دهقانان تیره روز و دفاع از آنان نیست.

ایجاد یک پل و ساختمان چند متر جاده در دورانی که بشورت وام بر آسمان کشوده خواست میرم قلب روستائیان ماست. مثلا دهقانان دهات شاهرود در آذربایجان بعلت نبودن جاده نمیتوانند محصول خود را به بازار عرضه کنند (اطلاعات ۳۰ بهمن ۴۷) دهقانان «کیانی آباد» و «نوبهار آباد» واقع در خرم آباد سالها است که تقاضای ساختمان یک پل دارند؛ زیرا هر سال با بالا آمدن آب رودخانه برای چندین ماه ارتباطشان با دنیای خارج قطع میشود و در نتیجه محصول یکساله شان به بازار نمیرسد.

فقدان و یا کمبود وام و کمکهای اعتباری مشکل دیگر دهقانان است. بگفته وزیر اصلاحات ارضی ۱۷۰۰۰۰۰ خانوار روستائی هنوز عضو شرکتهای تعاونی نیستند و بنا بر این کوچکترین کمکی بآنها نمیشود و دهقانانی که با پرداخت حق السهم بعضویت شرکتهای تعاونی در آمده اند، در اکثریت خود از کمبود زمین وآبها و یا از امتناع شرکتها از پرداخت وام شکایت دارند. برای نمونه از دهقانان یکی از دهات اطراف رشت نام میبرم که شرکت تعاونی‌شان دهات این عنوان که: «سرمایه شما کم است، و بانک کشاورزی رشت به بهانه اینکه: «شما عضو شرکت های تعاونی هستید» از پرداخت وام به دهقانان امتناع می کنند. فقدان وام و اعتبار کافی موجب شده که دهقانان همچنان در دام سهم سازمانهای اعتباری بیش از ۳۰ الی ۴۰ در صد وامهای دریافتی دهقانان نیست. و بدیرت ترتیب ۶۰ تا ۷۰ درصد وام مورد نیاز دهقانان بوسیله ربا خواران و در ازاء دریافت بهره های سنگین تأمین میشود. رئیس بانک کشاورزی تأیید میکند که نرخ بهره در برخی موارد بیش از ۴۰ درصد است. وی میگوید: «مفروض بودن یکی از مشکلات زندگی روستائیان است (مجله بانک مرکزی مهر ۱۳۴۷).

سیاستی که دولت تاکنون در روستا دنبال نموده است نه در جهت حمایت و تقویت دهقانان، بلکه درجهت حمایت از مالکان سرمایه دار و سرمایه داران مالک بوده است. اعتبارات کشاورزی بطور عمده اختصاص به واحد های بزرگ دارد و حوالهٔ دهقانان به شرکتهای تعاونی داده شده که سرمایه کافی ندارند و فاقد رهبر رفع نیازمندیهای مالی و فنی دهقانان نیستند.

* * *

برای حل مشکلات فراوانی که در اوایر توده زحمتکش دهقانان وجود دارد، مبارزه متحد آنان ضروری است. شک نیست که خودبخود دهقانان در یک منطقه، یک ناحیه و گاه حتی در یک ده، مدتوت است ولی همیشه پیش کشیدن مهمترین شعار های روز که برای سازمانی یک یا چند ده مشترک است میتواند نیروی هر چه بیشتری را بسیج و به میدان مبارزه بکشاند. وظیفه عاجله کارگر، روشنفکران مترقی، سازمانهای دموکراتیک و دهقانی پیشرو است که در تجهیز و تشکل بیش از پیش برادران روستائی خود و جلب آنان به مبارزه متشکل در راه پیشبرد خواستهایشان اهم از خواستهای کوچک و صنفی و یا خواستهای بزرگ و طرفدار کوشش ورزند. مثلا دهقانان بدون زمینند، زیرا دولت بقدر لازم زمین های اربابی به دهقانان بسیج نمود. دهقانان را که زمین خریده اند یا شعار عدم پرداخت اقساط زمین و فشر های وسیعتری از دهقانان را با شعار لزوم توسعه و تقویت شرکتهای تعاونی از طرف دولت و پرداخت وام ارزان به همه دهقانان به مبارزه جلب کرد. مبارزاتی هر شعار هرقدر محدود، مثلا حق تأسیس مدرسه و درمانگاه، ساختمان جاده و پل؛ در تشکل بیشتر دهقانان تأثیر فوق العاده دارد. باید از هر زمینه مساعدی برای تجهیز دهقانان استفاده نمود.

مینو

تسلیت

آغاز سال نو برای دانشجویان ایرانی با دو حادثه تأسف آور همراه بود. در دوم فروردین ماه اتومبیل حامل دو تن دانشجوی ایرانی در نزدیکی گراتس (اتریش) تصادف کرد و منجر به قتل سه نفر، شهین فرجاد پرویز رفیعی و شاهرخ رضائی گردید. در ۷ اردیبهشت اتومبیل حامل تقی بلوریان تصادف کرد و موجب مرگ وی شد.

ما مرگ جانگداز این دانشجویان را که بعلت فعالیت ترقیخواهانه خود محبوب و مورد احترام همه دانشجویان بودهاند، به بازماندگان آنها و اتحادیه دانشجویان ایرانی در گراتس و همه دانشجویان ایرانی صمیمانه تسلیت میگوئیم. ما مطمئنیم که دانشجویان ترقیخواه ایرانی با پیروی از سرمشق آنان خاطره دانشجویان فقید را همواره زنده و گرامی خواهند داشت.

تغییر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران، «مقاومت مردم» مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

یك سند مهم حزب ما

تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما

یاد آوری از یك تصمیم پلنوم

چنانکه خوانندگان ارجمند ماهنامه «مردم» اطلاع دارند یکی از تصمیمات پلنوم دوازدهم کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران (که در تابستان گذشته تشکیل شده بود) مأموریتی بود که به هیئت اجرائیه کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران دائر به تهیه و تصویب و انتشار سند مهم «تحلیل وضع کنونی کشور و وظائف مبرم ما» احاله شده بود. هیئت اجرائیه در سومین اجلاسیه خود متن سند را پس از اصلاحات لازم تصویب کرد و بدینسان وظیفه احاله شده از جانب پلنوم را انجام داد. متن سند بنا به تصمیم اجلاسیه هیئت اجرائیه در مجلات «دنیا» و «آذربایجان» نشر خواهد یافت و در رادیوی یك ایران پخش خواهد شد. صفحات محدود ماهنامه «مردم» گنجایش آنرا ندارد که ما خوانندگان گرامی را با متن کامل سند (که در نخستین فرصت ممکن در دسترس آنان قرار خواهد گرفت) آشنا سازیم ولی بیفایده ندیدیم از خطوط اساسی این سند ولو باختصار یاد کنیم و بخشهائی از آنرا نقل نمائیم. در سند مورد بحث مضمون اساسی تحولات اخیر کشور که عبارت از بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده و زوال تدریجی مناسبات فئودالی است و علل عینی و ذهنی بروز این تحولات توضیح داده شده است. در سند بر اساس آمارها و پیکره ها سیاست اقتصادی دولت، اصلاحات ارضی رژیم، سیاست سرمایه گذاری و صنعتی کردن کشور، روابط بخش خصوصی و بخش دولتی، مسئلهٔ آهنگ رشد اقتصادی و درآمد ملی مورد تحلیل قرار گرفته و نتیجه گیری شده است که رشد نیرو های مولده در کشور ما اکنون مرحلهٔ قبل از سرمایه داری انحصاری را طی میکند و لذا هنوز تجمع و تمرکز سرمایه ها بحدی نرسیده است که بتواند رشته یا رشته هائی را در انحصار سرمایه داری شخصی در آورد ولی از عسم اکنون علائم پیدایش این انحصار وجود دارد. وجود اضافه جمعیت نسبی که ناشی از سرریز جمعیت روستائی و بیکاری مزمن است از یکسو و سطح نازل زندگی از سوی دیگر موجب پائین بودن دستمزد میشود که خود مانعی است برای استفادهٔ وسیع از تکنیك و سد نیرومندی است در برابر تسریع پروسهٔ انباشت سرمایه داری. از آنجا که تولید خرده کالائی در کشور ما مقام مهمی دارد و پروسهٔ انباشت کنداست للماسیستم سرمایه‌داری هنوز امکان اینکه نظارت کامل خویش را بر بازار داخلی تأمین نماید نیافته است وتسلط سرمایهٔ امپریالیستی نیز امکانات رشد سرمایه داری داخلی را باز هم محدود تر مینماید. استفاده از بخش دولتی در جهت تقویت بنیهٔ مالی گروه معینی از سرمایه داران داخلی و در آمیختن آنها با سرمایه انحصاری خارجی رفته رفته سدی در برابر رشد موزون اقتصادی کشور ما فراهم میکند و پروسهٔ رشد اقتصادی را ولو بصورت سرمایه داری آن، مسخ و محدود میسازد.

پس از این نتیجه گیریها در سند تحولاتی که در آرایش طبقاتی جامعه روی داده مورد بررسی قرار میگیرد و از آن تحولاتی که در پایگاه طبقاتی حکومت و سلطنت حاصل شده نتیجه گیری میگردد.

سند جهات ضد دموکراتیك سیاست داخلی رژیم و تلاشهای عبث وی را برای مستور ساختن این ماهیت ضد دموکراتیك افشاء میکند و پیوند سیاست خارجی رژیم را با منافع امپریالیست ها نشان میدهد و سیاست خارجی رژیم را مورد تحلیل افشا گرانه ای قرار میدهد.

بخش نهائی سند، نتیجه گیری از این تحلیل و تعیین وظایف مبرم حزب ما در مرحله کنونی است که آنرا با تلخیص نقل میکنیم زیرا بمثابه نتیجه گیری عمومی سند دارای اهمیت ویژه ایست.

در سند مصوب کمیتهٔ مرکزی چنین میخوانیم:

وظایف مبرم حزب ما در مرحله کنونی

«بدیهی است هدف غائی حزب توده ایران، حزب طبقهٔ کارگر کشور ما عبارت از استقرار نظام سوسیالیستی است ولی در مرحله کنونی انقلاب ایران که هنوز تضاد با امپریالیسم و بقایای فئودالیسم حل نشده است پیش کشیدن شعار سوسیالیستی بمنزله پیش ساختن در عرصه ایست که از محیط واقعیت جامعه کنونی ایران خارج است. اکنون کشور ما در مرحله ملی و دموکراتیك انقلاب اجتماعی قرار دارد یعنی انقلابی که هدف آن عبارتست از انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات و قشر های ارتجاعی (سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، ملاکان عمده و قشر بوروکراتیك سرمایه داری) بدست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیك، کارگران (اعم از مزد بگیران شهری و روستائی)، دهقانان، سایر زحمتکشان شهری که قشر مهمی از روشنفکران و کارمندان ادارات و مؤسسات صنعتی، کشاورزی و بازرگانی را دربر میگیرد - خرده بورژوازی و سرمایه داری ملی) و محتوی آن عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصار های امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور، خاتمه دادن بوابستگی اقتصادی وسیاسی ایران و ریشه کن ساختن بقایای فئودالیسم.

ولی تحقق این دو نمای جنبش انقلابی مردم ایران مستلزم اجتماع یك سلسله عوامل عینی و شرایط ذهنی است که بدون آن نیل بمقصود امکان پذیر نخواهد بود...

بنا بر این در اوضاع و احوال کنونی وظیفه اساسی عبارتست از کوشش در برطرف ساختن موانع اعتلاء جنبش و مبارزه درجهت فراهم نمودن وسائل تسریع این اعتلاء و زمینه چینی برای پیشرفت آن. آنها که قبل از فرا رسیدن و آماده شدن وضع انقلابی دورنما و هدفهای غائی نهضت را بجای وظائف مبرم سیاسی قرار میدهند و تمایلات احساسی خویش را جانشین واقعیت اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران و تناسب واقعی نیروها میسازند و یا میخواهند فقط باتکاء پیشاهنگان نهضت بمیدان مبارزه قطعی روند نه تنها با شکست مسلم روبرو خواهند شد بلکه با چنین اقدامات نسنجیده و چپ روانه زیانهای سنگینی بتمام جنبش انقلابی مردم ایران وارد خواهند ساخت.

روش ضد دموکراتیك رژیم کنونی ایران اسلوب استبدادی و پلیسی حکومت، سلب آزادیهای مصرح در قانون اساسی، درعین اینکه نارضائی اکثریت تام مردم ایران و نفرت آنها را نسبت رژیم برمیانگیزد، خود عمده مانع در راه اعتلاء جنبش انقلابی مردم بشمار میرود و مطلق ساختن هر یك از جهات این پدیده واحد موجب بروز برخی ابهامات و انحرافات از خط مشی صحیح میگردد. در واقع نه نارضائی عمومی به تنهائی قادر به اعتلاء و پیشرفت جنبش است و نه وجود حکومت استبدادی و پلیس میتواند دلیل بر اتخاذ برخی روشهای ماجراجویانه و چپ روانه باستناد مسدود بودن طرق مبارزه باشد.

بهمان دلیل که فقدان آزادیهای دموکراتیك عمده مانع در راه اعتلاء نهضت است مبارزه برای برداشتن این مانع از سر راه جنبش، تأمین آزادیهای دموکراتیك و استقرار اصول دموکراتیك باید جهت اساسی مبارزه را در شرایط کنونی تشکیل دهد.

بنظر حزب توده ایران مبارزه در پیرامون این شعار مبرمترین وظیفه کنونی و حلقه مرکزی در مجموعه مبارزات بمنظور نیل بهدفهای سیاسی دیگر است.

بدیهی است تشخیص شعار اساسی مبارزه بمعنای انصراف از مبارزه در راه شعار های دیگر و از جمله بمنزله انصراف از مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو و قرارداد دو جانبه نظامی، الغاء قانون کاپیتولاسیون، اتخاذ سیاست بیطرفانه، اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، الغاء امتیازات نسبت به سرمایه خارجی، مبارزه علیه سیاست بازرگانی تابرابر و درهای باز و غیره نیست ولی تشخیص شعار عمده مستلزم آنست که قسمت اساسی کوششها و مبارزات سیاسی در جهت آن سیر کند زیرا شعار مزبور آن چنان حلقه مرکزی است که قادر است مبارزه را در راه تحقق شعار ها و خواستهای دیگر تسهیل نماید. در صورتیکه حزب توده ایران و سایر سازمانهای ملی و دموکراتیك موفق شوند که توده های مردم را دور این شعار گردآورند و آنهارا بمبارزه متشکل و متحد برای تحصیل آزادیهای دموکراتیك سوق دهند بنحوی که دولت مجبور شود لااقل آزادیهای مصرح درقانون اساسی ایران را رعایت نماید تا گزیر یکسی از دو پایه اصلی رژیم کنونی دچار تزلزل جدی میشود و ناچار زمینه را برای مبارزات ملی و دموکراتیك دیگر در جهت تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور میگشاید.

مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیك مبارزه وسیع و همه جانبه ایست که شامل عرصه های گوناگون حیات اجتماعی و حرفه‌ای، سیاسی، فرهنگی، قضائی، اداری و غیره میگردد، مبارزه در راه بسط فعالیت ها و آزادی های سندیکائی برای کلیه زحمتکشان شهر و ده، مبارزه در راه بدست آوردن آزادی سازمانی برای زنان، جوانان، دانشجویان و معلمان و روشنفکران و پیشه وران و کارمندان دولتی و کارمندان بنگاه های خصوصی و دولتی، مبارزه برای تصویب قانون عفو عمومی در بارهٔ کلیه زندانیان و محکومین و تبعیدیان سیاسی، مبارزه برای تأمین بازگشت کلیه پناهندگان سیاسی از خارج به ایران، مبارزه برای لغو دادگاه های استثنائی نظامی و ارجاع امور سیاسی و مطبوعاتی بدادگاههای صلاحیتدار دادگستری، مبارزه در راه آزادی انتخابات و رفع مداخلات دولت در امور انتخابی، مبارزه در راه آزادی آموزش بزبان مادری برای خلقها و اقلیتهای ایرانی که فارسی زبان نیستند، مبارزه در راه علنی شدن کلیه احزاب ملی و دموکراتیك و تصویب قانون اجتماعات و احزاب، اینها شعار های مبرمی است که مورد علاقه توده های مردم است و هر یك از آنها با مجموعه ای از آنها میتواند بر حسب اوضاع و احوال و شرایط پیشرفت نهضت اهمیت درجه اول کسب کند.

حزب توده ایران تنها برای آزادی فعالیت خود مبارزه نمیکند. حزب توده ایران هوادار آزادی کلیه احزاب، سازمانها و مطبوعات است زیرا از طرفی اعتلای کامل بقضاوت صحیح توده های مردم دارد و پهمین سبب از میدان رقابت سیاسی احزاب روگردان نیست و از سوی دیگر به همکاری و اتحاد با سایر احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیك جداً معتقد است و چنین اتحادی را برای پیشرفت بطرف هدف مشترك مردم ایران ضرور میشمرد و نیز عقیده راسخ دارد که استقرار و بسط دموکراسی تنها با مبارزه یك حزب یا یك سازمان تأمین نمیشود بلکه پیروزی در این زمینه مستلزم اتحاد واقعی کلیه احزاب و سازمانهای میهن پرست و ترقیخواه بر مبنای برنامه مشترك و واحد است. ما معتقدیم که همکاری حزب توده ایران با سایر سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیك نه تنها در این دوره، نه تنها در این مرحله انقلاب ضرور است بلکه حتی برای استقرار سوسیالیسم نیز امکان پذیر خواهد بود...

از آنجا که حزب توده ایران — حزب طبقهٔ کارگر و نظریاتش منطبق با منافع اکثریت تام مردم ایرانست، بی‌شائبه و با تمام قوا در راه اتحاد هرچه وسیعتر نیرو های ملی و دموکراتیك میکوشد زیرا در زمان ما

دنباله در صفحه ۵

دنباله از صفحه ۱

حکومت ایران به امپریالیسم وفادار است!

روزنامه دستنی تایمز چنین ابراز میکند : « مت. لیدرام که شما انگلیس ها مادامی که ما و سایر کشورها آماده بر کردن خلایی که با رفتن شما در خلیج فارس ایجاد میشود نشماییم ، از این منطقه خارج نشوید . این نظر را شاه هنگامی ابراز کرده که صحبت از تخلیه منافق شرقی ترعه سوئز از طرف حکومت «ناکرری» نداشت تا سال ۱۹۷۱ پیش آمده است یعنی شاه حتی موقعیکه امپریالیسم انگلستان بعلت مشکلات مالی ناچار به کم کردن هزینه های نظامی و از جمله مجبور بتخلیه خلیج فارس از ابزو های نظامی خویش گردیده ، اظهار امید در واقع استعداد دارد که این قوه ها در خلیج بمانند ! حال اگر دولت کارگری بخواهد کرده و حکومت محافظه کار بجای آن بیاید ، امری که کمابیش الوقوع بنظر میرسد ، در این صورت نه تنها شاه و حکومت ایران مخالفتی نخواهند داشت بلکه خودشان هم خواهند شد . (!) هنگامی که خبر دیگر رادیو ادامی داده ، « هیث » میگوید که ، شاه در آن اظهار داشتند که ایران با منطقه تغییر یافت دولت انگلستان جای در خروج از خلیج مخالفت خواهد کرد در خلیج بپرورد یکی از سخنگویان رسمی وزارت خارجه ایران اعلام داشت که « ما ایران هرگز از دولت انگلستان نخواهند خواست که در خلیج فارس باقی بمانند . (!) هنگامی که این منطقه باز گردده ، اوضاع بدین پایان میدهد ، « دولت ایران هرگز از ما نخواسته بود از خلیج فارس خارج شویم و حالا از این دولت انتظار نداریم که بیاید و علنا اعلام کند که ما میلیم انگلستان در خلیج فارس باقی بماند . » چنین اظهاراتی با اصول دیپلماسی تطبیق نمیکند و این اینکه ما بخوبی میفهمیم ، « اینها اظهارات کسی است که احتمال میرود مقام نخست وزیری را در انگلستان اشغال کند . « هیث» میخواست با اتخاذ اظهارات صریح شاه با مخبرروزنامه «صنعتی تایمز» جواب دندان شکنی بهایر انگلار رادیو بگوید که شاه بعنوان گرداننده واقعی حکومت ایران بلکه نه تنها از ما نخواسته که از خلیج فارس خارج بشویم بلکه اظهار امید هم کرده که در آنجا باقی بمانیم . « دولت ایران هرگز از ما نخواسته که از خلیج فارس خارج شویم » ، « چنین اظهاراتی با اصول دیپلماسی تطبیق نمیکند » ، علاوه کنیم که اظهارات سخنگوی رسمی وزارت خارجه ایران هم موقعیکه گوید که ایران بهیچوجه نمیخواهد که از خلیج بیرون برود ، « ایران هرگز از ما نخواسته بود از خلیج فارس خارج شویم » .

(مقامهای ایران از شاه ، نخست وزیر ، وزارت خارجه گرفته تا سخنگوی رسمی وزارتخانه هیچکدام چنین اظهاراتی را مطرح نکرده اند بلکه اظهارات آنها همواره از این قرار میباشد که اگر دولت انگلستان خود نیرو هایش را از این منطقه بیرون بکشد چنانچه کرد ، « هیث » در مصاحبه خود میگوید ، « تقریبا در همه جا مردم مصرند بروند که چرا ناگهان دولت کارگری انگلستان تصمیم گرفته از خلیج فارس خارج بشود » .

« هیث» با روشنی این مردم متعجب را نام میبرد و میگوید در این مدت مذاکرات و گفتگوهای پراروش با شاهنشاه ایران ، ملک فیصل ، . . . و همچنین با حکام و شیوخ خلیج فارس بعمل آوردم ، اینها همه شن آن مردمانی که از اقدام احتمالی حکومت « کارگری » انگلستان به تعجب انداختند ! »

چنین این است که چه دولت کارگری و چه حکومت آینده احتمالی محافظه کاران در انگلستان هیچکدام قصد خروج از خلیج فارس یعنی واگذاری سرنوشت این منطقه بدست صاحبان اصلی خود یعنی کشورهای مجاور خلیج فارس را نداشته و ندارند . اختلاف بین آنها بر سر چگونگی حفظ تسلط در این منطقه است . محافظه کاران که در رأس آنها آقای «هیث» قرار دارد بدنبال اصل عمومی سیاست خود یعنی احیاء و محافظه کاری ، با سیاستی که حزب «کارگر» برای تخلیف زیران مالی انگلستان فراموشدن نیروهای نظامی را از منطقه شرق سوئز در عین تسلط بر خلیج فارس بوسیلهٔ شیوخ و حکام دست نشانده و

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه

درباره حوادث مرزی «داماسکی»

مدعی رهبری یك کشور سوسیالیستی هستند بخواهند این اختلاف را با سلاح حل کنند بویژه آنکه مرز های بین چین و شوروی طبق قرارداد سال ۱۹۲۴ بین شوروی وچین تثبیت شدهو بارهاازطرف چین تأیید گردیده است . بعلاوه از سال ۱۹۶۴ اتحاد شوروی برای جلوگیری از حوادثی که گروه مائو در نواحی مرزی ایجاد میکردهاند و بسط آن حوادث ، پیشنهاد مذاکره برای حل اختلافات کرده است ولی از جانب چین مذاکرات دنبال نشدند. اخیرا نیز اتحاد شوروی دوبار پیشنهاد مذاکره برای حل اختلافات کرده است.

حوادث مرزی داماسکی ایراد ضربت سنگین بر انترناسیونالیسم پرولتری و به حیثیت سوسیالیسم است. تصویر ناهنجاری از کمونیسم پدید می آورد ، مایه نگرانی و آشفتگی نهضت انقلابی جهانی . . وجب خرسندی و شادمانی محافل امپریالیستی است و بمبارزهٔ خلق ها بویژه خلق ویت نام ، خلق های عربی در مقابل تجاوز اسرائیل و دیگر خلق ها زیان میزند .حزب ما بمثابه یك حزب انترناسیونالیست این واقعه را « مجلی » تلقی نمیکند و اشمئزاز شدیدخویش را از فتنه انگیزی تازه گروه مائو ابراز میدارد و آنرا بشدت تقبیح می کند و روش اتحاد شوروی را که در عین دفاع مجدانه از حقوق حقهٔ خود راه مذاکره را برای حل اختلافات در پیش گرفته است روش درست و اصولی میشمرد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

با توجه به نقوذ سیاسی خود در ایران ، کویت و عربستان سعودی ، اعلام داشته ، معتقدند زیرا دیگر به نیرو های نظامی خود و از اعتماد بحکومتهای متد ملی ، اگر کشور های خلیج که احتمال بروز اختلاف بین آنها از یکطرف و رشد جنبش ضد استعماری و آزادیخش در این کشورها از طرف دیگر وجود دارد ، ترجیح میدهند . محافظه کاران که بر مواجهت نیرو ، علی انگلستان اتکاء دارند ، باکی ندارند که بحران مالی این کشور را بوسیله فشار اقتصادی بیشتر پر کنند . مالی ای زحمتکش انگلستان تحقیق دهند . اما حزب «کارگری» که پایگاه اساسی آرائش در اقشارات اجتماعی های کارگری است عاجزتر میماند از تحمیل خویش ، انتخاب چنین سیاستی را که موجب از دست دادن مقداری از آراء آن در آینده انتخابات است مجاز میداند . لذا نظر از جنبه تبلیغاتی اظهارات « هیث » علیه حکومت « کارگری » ، این واقعیات بروشنی از ساختار مسافه بیشود که درصورت پیروزی حزب محافظه کار موضوع تخلیه خلیج از نیروهای نظامی انگلیس مدتی خواهد بود علاوه براین بار دیگر تأئید میگردد که بیشتر حکومتهای سواحل خلیج از جمله دولت ایران تا کنون خواستار چنین اقدامی نبوده و بعدش این نیروها در این منطقه باقیماندند . علاقمندی ایران و سایر قدرتهای ارتجاعی سواحل خلیج از اینجا پیداست که انگلستان حتی برای مدتی خود در این منطقه و یا دادن ، تعهد دفاعی و حمایت از بعضی از کشور . این ناحیه تقاضای کمك مالی میکند . چندی پیش دفیس علی وزیر دفاع انگلستان صریحا بنحو تهدید ، آمیزی گفت که : « اگر از این راه کمکی بانگلستان نشود انگلستان ناگزیر است بفشار اقتصادی برتانیه متوسل جوئی خود از تعهدات خویش در خلیج میانه بکاهد . » در واقع شیوخ و حکام خلیج فارس ، شاه ایران و حکومت سعودی و کویت که از لحاظ اقتصادی و سیاسی بامپریالیستها و از جمله امپریالیسم انگلستان وابستگی تلریض دارند و وحیبارت امپریالیستها بمردم این منطقه تحمیل شده اند ، بیم دارند که پس از خروج نیروهای انگلیس در خلیج فارس تناسب نیروها در این منطقه بسود جنبش های رهائی بخش ملی تغییر کند و وضع آنها را بخطر اندازد . باین دلیل است که از دولت خود یعنی دشمن مالتها اقتصادی بقای در این منطقه را دارند . این معنی را « هیث » در مصاحبه خود باین تحریبان میکند که : « مردم این منطقه میگویند ما باید با برخورداری از ثبات صلح و آرامش بتوانیم به پیشرفتهای خود ادامه دهیم و مایل نیستیم که مقتد برخی از کشورهای دیگر در هرج و مرج و آشوب قوطه و شویم . » جای تردید نیست که منتی ، ثبات ، « صلح » و « آرامش » در قاموس « هیث » بقاء وضع موجود یعنی چپاول و غارتگری منابع نفتی خلیج فارس و کشورهای مجاور آن و مفهوم « هرج و مرج و آشوب» جنبش های استقلال طلبانه ملی در طول تاریخ و میانه است . از اظهارات « هیث » و « واکنشهای محافل دولتی وگفته های شاه بخوبی معلوم است که اساس سیاست ایران در خلیج فارس همکاری ، وفاداری و صداقت نسبت بامپریالیستهاست یعنی چنان سیاستی که قرمانی بادعای رهائی حکومت ایران یعنی در پیروی از « سیاست مستقل ملی » نه تنها موافق نیست بلکه درست سیاستی است ضد ملی .

۱. گویا

دنباله از صفحه ۴

یك سند مهم حزب ما

تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف مبرم ما

سازمان امنیت و محاکم نظامی ، مبارزه متحد برای ارجاع محاکمات سیاسی به محاکم دادگستری ، مبارزه مشترك برای تصویب قانون عفو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی ، مبارزه مشترك برای آزادی اجتماعات و احزاب و تصویب قانون اجتماعات و غیره . بهترین وسیله برای ایجاد زمینه چنین اتحادی است. اقدامات مشترك باید تدریجاً باین نتیجه بیانجامد که زمینه اتحاد برمبنای برنامه مشترك عمل را فراهم سازد . تجارب سالهای اخیر از بخشی وحدت عمل در از عرصه های کونا کونی بانبات رسانده است .

حزب ما به پیروی از این روش در فعالیت روزمره خود با تمام قوا از حقوق مردم ایران و گروههای سیاسی میهن پرست و آزادیخواه ، صرفنظر از آنکه عقاید و مشی آنها باما موافق باشد یا نه، دفاع کرده وميكند.

حزب توده ایران باین خط مشی سیاسی که مبتنی بر واقعیات عینی جامعه ماست ایمان راسخ دارد و معتقد است در مرحله کنونی ، انحراف از این راه جز اتلاف نیرو ها و کشاندن آنها بانقدامات ماجراجویانه جز راندن توده ها به پائین و بد بینی ، بسود مواضع ارتجاع و امپریالیسم ثمری ندارد .»

بدین ترتیب سند

بچه

« تحلیلی از وضع

کشور و وظایف مبرم ما» میکوشد بر بنیاد علمی ، بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم اوضاع کنونی میهن ما را تشریح نماید و از درون این تحلیل علمی وظایف مبرم حزب را در شرایط کنونی بیرون کشد . سند مصوب هیئت اجرائیه که نتیجه خردمندی حزب ماست بدیدهای نوین اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی جامعهٔ معاصر ایران را طی یك سنتز جامعی توضیح میدهد . تحقق بذیر ترین وظایف انقلابی بر بنیاد این سنتز روشن گردیده است تا راه بسوی انقلاب دموکراتیك نوین سر کردگی (هژمونی) طبقه کارگر گشوده شود . این سند هم از ایورتونیسم راست و آراستن رژیم ضد ملی ، ضد دموکراتیك و سلطنت مستبده و ایجاد پندارهای رفورمیستی و هم از آوانتوریسم چپ و دادن شعار های تند وتیز بدون توجه به واقعیت و بدون تجزیه و تحلیل علمی آن و بدون استفاده از امکانات واقعی مبارزه بدور است ودنباله منطقی تلاشی است که از مدتها پیش از جانب حزب ما و رهبری آن برای انطباق جهان بینی عمومی به شرائط مشخص کنونی میهن ما انجام میگیرد. موافق تصمیم هیئت اجرائیه این سند باید مورد بررسی عمیق همه رفقای حزبی و اجراء علمی قرار گیرد . تردیدی نیست که حزب بنا به سابقه خود از آزمایشهای ناشی از عمل و از نقادی سازنده مبارزان فیض گرفته و خواهد گرفت .

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق محمدسجادی درسن ۳۹ سالگی به بیماری سرطان در گذشت .

رفیق سجادی از سن ۱۲ سالگی کارگر کارخانه بلورسازی تهران بود . سال ۱۳۲۳ بعضویت اتحادیه کارگران و در سال ۱۳۲۶ بعضویت حزب توده ایران پذیرفته شد . در دوران خدمت وظیفه تلفنچی ستاد ارتش شد و در این پست خدمات شایانی برای حزب انجام داد . رفیق سجادی در سال ۱۹۵۶ مجبور به مهاجرت شد . درمهاجرت آموزشگاه برق را بپایان رسانید و سپس وارد دانشکده برق گردید و دراین دانشکده سه سال تحصیل نمود ولی متأسفانه بیماری مانع ادامه تحصیلات او شد و سرانجام پس از یك عمل جراحی در گذشت .

مرگ رفیق مبارز سجادی را بخانواده ، رفقا و دوستانش صمیمانه تسلیت میگوئیم .

دنباله از صفحه ۱

استعمار جمعی در نفت ایران گسترش میابد

از تاریخ شروع بهره برداری تجاری تا ۲۵ سال است .

اصول هر دو قرارداد مبتنی بر همان اصول قرارداد بین شرکت ملی نفت و گروه فرانسوی «اراپ» است . یعنی شرکتهای خارجی بعنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران اجرای عملیات اکتشافی و تولیدی را بر عهده خواهند داشت . ادعا میشود که « متجاوز از ۹۰ در صد از مجموع عایدات حاصله از اجرای قراردادهای مزبور سهم ایران و بقیه سهم پیمانکار میباشد .»

افزایش «رانت نفت» ـ ولی به چه قیمت ؟

مدتهاست دولت ایران چوب حراج منابع نفت ایران را بر زمین زده و هر روز قرارداد نفتی جدیدی با یکی از شرکتها و یا گروهی از شرکتهای نفتی امضا میکند . ادعای محافل دولتی هیئت این است که در عقد این قراردادها هم مثل سایر زمینه‌ها « انقلاب شاهانه » رخ داده و درآمد ایران از نفت افزایش یافته است .

از آنجا که قراردادهای نفتی هیئت ـ بویژه در آنچه که مربوط به درآمد ایران است ـ در پرده‌ای از اسرار پوشیده شده و اطلاعاتی هم که انتشار می‌یابد دلبخواه ، ناقص و در عین حال پیچیده است ـ اثبات صحت و سقم ادعاهای محافل دولتی عملا ممکن نیست . ولی این نکته مسلم است که سرمایه داران خارجی ، آنهم شرکتهای آزمند نفتی ، برای ادامه به انقلابهای شاهانه در قراردادهای نفتی حاضر بعقد قرارداد نمیشوند ، بلکه مانند همیشه سود آنهم سود کلان انحصاری ، انگیزه واقعی و اصلی آنهاست . در عین حال در اثر تشدید اوضاع بین‌المللی بسود نیروهای ضد امپریالیستی و همچنین بعلت وجود رقابت بین شرکتهای نفتی دیگر امکان عقد قرارداد هائی مانند قرارداد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس وحتی قرارداد کنسرسیوم بین‌المللی نفت نیست . سخن دیگر قرارداد های جدید نفتی از نظر تقسیم سود با شرایط بهتر برای ایران ، نسبت به قرارداد های گذشته ، متعقد میگردد .

بنابراین مسئله اصلی این نیست که ایران با قراردادهای جدید نفتی مقداری دلار بیشتر بدست میآورد . سخن بر سر این است که این دلارها بچه قیمت بدست میآید .

عقد قرارداد نفت با شرکت های نفتی امپریالیستی توسط یك رژیم وابسته به امپریالیسم یعنی حفظ و توسعه تسلط اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم در ایران . دور تسلسلی که رژیم دچار آن شده از ماهیت آن و از ماهیت امپریالیسم سرچشمه میگیرد ، در نتیجه سیاست ضدملی مخارج نظامی افزایش میابد، دستگاه دولتی بلیسی و بورو کراتیك متورم میشود، واردات به شتی برابر صادرات میرسد و آنوقت دولت برای آنکه این بار سنگین مالی را بدوش بکشد باید دست گدائی پیش امپریالیستها دراز کند . و چون امپریالیستها مجانی و از روی خیرخواهی پول بکسی نمیدهند رژیم باید منابع نفت ایران را حراج کند وهمه امپریالیستها را هم شریك سازد یعنی استعمار جمعی را گسترش دهد و عوامل وابستگی و اسارت مردم ایران را تثبیت کند و عمیق‌تر سازد . و باز روز از نو روزی از نو .

استعمار جمعی گسترش میابد

علاوه بر این فشار مالی و اقتصادی خود رژیم بنابدعوی سخت گویانش برای ایجاد «ضمانت و امنیت» یعنی حفظ رژیم کنونی یک امپریالیستها آگاهانه نیز سرمایه گذاری باشرکت همه امپریالیستها یعنی استعمار جمعی را تشویق و تقویت میکند. این واقعیت را در مورد همین قراردادهای جدید نفتی آشکارا میتوان مشاهده کرد .

رژیم باسروصدای فراوان اعلام میکند که در اثر «انقلابات شاهانه» شرکت ملی نفت ایران قادر است مستقلا بسرمایه گذاری و بهره برداری در نفت بپردازد آنهم نه فقط در داخل کشور بلکه حتی در کشورهای خارجی ! و گاه هم صحبت از فعالیتهای نفتی ایران در هند و مرا کش و غیره میشود .

سئوال اینست که پس چرا شرکت ملی نفت با اینهمه « توانائی » هرروز قسمتی از منابع نفت را در اختیار یك شرکت خارجی امپریالیستی میگذارد ؟

سئوال دیگر اینستکه چرا با اینکه طبق قانون نفت واگذاری منابع جدید نفتی باید از راه مزایده انجام گیرد قراردادهای جدید بمزایده گذارده نشده ؟

سئوال آخر اینستکه اگر شرایط بین ـ المللی عقد قراردادهائی را که به نسبت قرار داد کنسرسیوم بین‌المللی با صرفه تر است ـ ممکن میگردانند، پس چرا قرارداد غارتگرانه کنسرسیوم همچنان بقوت خود باقی است ؟

آیا همه اینها بدین معنی نیست که رژیم میخواهد برای « ضمانت و امنیت » خود امپریالیستهای گوناگون را هرچه بیشتر در ایران نوبودن تحت بیمارستان و نداشتن وسائل لازم درمانی واشکالتراشی‌های فراوان روبرو هستند.

اخباری درباره کارگران کارخانه موزائیك سازی تهران ، کارگران سنگ کوبی ، کارگران شرکت اتو تو کل نیز از مطالب شماره اخیر « ضمیمه مردم » است در مقاله‌ای تحت عنوان «فعالیت مخفی و استاد حزبی» لزوم رعایت همه جانبه پنهانکاری و طرز استفاده از استاد حزبی در شرایط مبارزه مخفی مشروحاً توضیح داده شده است .

انتشار منظم «ضمیمه مردم» گرمی بخش همهٔ مردمی است که به امید فردای روشن میهن را مردانه مبرزمند . ما توفیق آتی انتشار دهندگان «ضمیمه مردم» را در نبرد دشوار آنها از صمیم قلب آرزومندیم .

دنباله از صفحه ۸

ضمیمه «ماهنامه مردم»

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق حزبی ما فضل‌اله (فرضی) دهقان در سن ۷۲ سالگی به بیماری سرطان گلو در گذشت .

رفیق فضل‌اله (فرضی) دهقان یکی از قدیمی ترین مبارزان راه آزادی ایران و یکی از با سابقه‌ترین اعضاء حزب توده ایران است . رفیق فقید دهقان سراسر زندگی آگاهانه خود را دراین راه گذاشت . او در سال ۱۲۷۵ در قریه نوته کران از محال اردبیل در یك خانواده دهقان تولد یافت و در ۲۶ سالگی درشهر آستارا به عضویت حزب کمونیست ایران در آمد .

فعالیت انقلابی رفیق فقید دهقان بمثابه یکی از فعال‌ترین اعضاء حزب از نظر پلیس دیکتاتوری رضا شاه پنهان نماند و بهمین جهت تحت تعقیب قرار گرفت . او در سال ۱۳۱۰ از طرف شهربانی آستارا دستگیر و زندانی شد . دهقان پس از آنکه مدتها در زندانهای آستارا ، اردبیل و تبریز بدون محاکمه باقی ماند بتهران اعزام شد و در حدود ۱۰ سال در زندان قصر قاجار زندانی گردید . او در زندان با وجود انواع محرومیتها تزلزل از خود نشان نداد و روحیه انقلابی خود را تا آخرین روز در زندان حفظ نمود پس از دهسال زندان از طرف دادگاه فرمایشی رضا شاه به شش سال زندان محکوم گردید . با وجود این شهربانی مختاری او را آزاد نگذاشت و از زندان یکسره بشهر نهاوند تبعید نمود . پس از سقوط دیکتاتوری رضا شاه و رهائی از تبعید پرثمرترین دوران زندگی رفیق دهقان آغاز شد . رفیق فقید یکی از مؤسسین حزب توده ایران در شهر آستارا بود . در نهضت آذربایجان بنام فرماندهی فدائیان به آزادی شهر آستارا و نیز کمك مؤثری نمود. در دوران حکومت ملی در آذربایجان چندی فرماندار آستارا و پس از آن فرماندار متکین شهر شد . رفیق فقید دهقان در سال ۱۳۲۵ مجبور به مهاجرت باتحاد شوروی گردید . او تا آخرین لحظه حیات خود از راه پر افتخار وفاداری باصول مارکسیسم ـ لنینیسم سر بر نتافت و به آرزوی وطن و سعادت خلقهای ایران چشم از دنیا بر بست . ما در گذشت رفیق فضل اله دهقان را به خانواده ، دوستان و رفقای او صمیمانه تسلیت میگوئیم .

دنباله از صفحه ۸

ضمیمه «ماهنامه مردم»

نوبودن تحت بیمارستان و نداشتن وسائل لازم درمانی واشکالتراشی‌های فراوان روبرو هستند.

اخباری درباره کارگران کارخانه موزائیك سازی تهران ، کارگران سنگ کوبی ، کارگران شرکت اتو تو کل نیز از مطالب شماره اخیر « ضمیمه مردم » است در مقاله‌ای تحت عنوان «فعالیت مخفی و استاد حزبی» لزوم رعایت همه جانبه پنهانکاری و طرز استفاده از استاد حزبی در شرایط مبارزه مخفی مشروحاً توضیح داده شده است .

انتشار منظم «ضمیمه مردم» گرمی بخش همهٔ مردمی است که به امید فردای روشن میهن را مردانه مبرزمند . ما توفیق آتی انتشار دهندگان «ضمیمه مردم» را در نبرد دشوار آنها از صمیم قلب آرزومندیم .

دزنقم کنند ودست به ترکیب کنسرسیوم بین‌المللی نفت که همچنان ۹۰ درصد تولید و فروش نفت ایران را دراختیار دارد زند ؟

آیا همه اینها تقویت پایگاه امپریالیسم در ایران و گسترش استعمار جمعی نیست ؟

نیروهای ملی ومترقی ایران باید هم ماهیت ضد ملی سیاست نفتی دولت ایران را افشاء کنند و هم برای جلوگیری از این حراج خائنانه بزرگترین ثروت ملی ایران مبارزه خود را تشدید نمایند . م. فرزانه

صمد بهرنگی

دوست کودکان وستایشگر فرهنگ خلق خویش
(بمناسبت درگذشتش)

اواخر تابستان گذشته، خبر مرگ پیشرس «صمد بهرنگی» انتشار یافت. اخبار رسمی حاکی از آن بود که «بهرنگی» بهنگام شنا دررودخانه ارس غرق شده است. ولی شایعات گوناگون بر این خبر رسمی سایه شك و تردید میافکند. عده‌ای مرگ او را نتیجه توطئه قبلی سازمان امنیت میدانند و عده‌ای دیگر معتقدند «بهرنگی» حین عبور از رودخانه ارس بقصد خروج از ایران بدست مرزبانان ایرانی به قتل رسیده است. بهر حال قدان این نویسنده جوان و با استعداد بخصوص باتوجه به نحوهٔ تفکر و شیوه برخورد واقع‌بینانه‌اش به مسائل اجتماعی موجب تأسف فراوان است.

«بهرنگی» در حیات کوتاه خود به خلق اثار برجسته‌ای توفیق یافت که بطور عمده بادبیات کودکان تعلق دارد. «بهرنگی» رفیق و نقصه گوی روشن بین کودکان در تمام قصه هایش کوشش دارد «درك علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسان» در قالب داستانهای شیرین به کودکان بدهد. او معتقد است: «چرا باید در حالیکه برادر بزرگ دلش برای یك نفس آزاد و یك دم هوای تمیز لك زده کودك را در پیله‌ای از «خوشبختی و امید و شادی الکی» خفه کنیم؟... آیا نباید به کودك بگوئیم که در مملکت تو هستند بچه هایی که رنگ گوشت و حتی پنیر را ماه به ماه و سال بسال نمی بینند؟ چرا که عده قلیلی دلشان میخواهد همیشه «فازسرخ شده در شراب» شرعشرعشان باشد. آیا نباید بکودك بگوئیم که بیشتر از نصف مردم جهان آرسته‌اند و چرا گرسنه‌اند و راه بر انداختن گرسنگی چیست؟ بهرنگی معتقد است که: «ادبیات کودکان باید بلی باشد بین دنیای رنگین و بیخبری در رؤیا و خیال های کودکی و دنیای تاریك و آگاه غرقه در واقعیت های تلخ و درد آور و سر سخت محیط اجتماعی بزرگتر ها. کودك باید از این پل بگذرد و آگاهانه و مسلح و چراغ بدست به دنیای تاریك بزرگترها برسد» بر اساس این اعتقاد درست، فکر و اندیشه کودکان را بجانب شناختن جامعه ای که در آن زندگی میکنند راهبر میشود.

«صمد بهرنگی» که از آذربایجان بود به زبان و ادبیات مادری خویش عشق فراوان داشت و در راه جمع آوری فرهنگ توده آذربایجان زحمات فراوانی متحمل شد. او به ضبطانامه های آذربایجانی همت گماشت تا با انتقال از لوح سینه ها بر اوراق مدون بدانها حیات جاودان بخشد. وی آرزومیکرد که کودکان آذربایجانی روزی بتوانند بزبان مادری خود بخوانند و بنویسند. ارثیه «بهرنگی» برای کودکان که آینده به سرنوشتشان عشق میورزید و هم برای هموطنان بزرگسالش، آثار ارزنده‌ای است که از خود باقی گذارده است.

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه بمناسبت اول ماه مه

و در کلیهٔ بنگاههای صنعتی و کار گاههای ایران اتحادیه های وابسته بشورای متحده بوجود آمد. شورای متحدهٔ مرکزی شاهزادان رضا روستا را که در سازمان دادن اتحادیه های کارگری و تحکیم صفوف زحمتکشان ایران فعالیت شایانی کرده بود بست دبیر کل انتخاب نمود. شورای متحدهٔ مرکزی که در مبارزات سندیکائی و همچنین در مبارزات دموکراتیك همهٔ خلقهای ایران بعامل مهمی مبدل‌شده بود بعضویت‌فدراسیون سندیکائی جهانی پذیرفته شد.

درنتیجه‌مبارزهٔ کارگران وفعالیت‌شورای متحدهٔ مرکزی برای نخستین بار قانون بیمه کارگران بتصویب رسید و لایحه قانون کار به شکل تصویب نامهٔ دولت ابلاغ شد. طبق قانون ساعات کارروزانه به ۸ ساعت در روز محدود گردید. اشل متحرك برای حد اقل دستمزد با توجه‌به تغییرات هزینهٔ زندگی بر قرار شد. مرخصی هفتگی و مرخصی اعیاد ملی وروز اول مه، مرخصی سالیانه بااستفاده از حقوق جنبهٔ قانونی پیدا کرد. بیمه اجتماعی، پرداخت دستمزد در موقع بیکاری، مرخصی برای زنان باردار، مزد مساوی برای کار مساوی در مورد زنان و مردان، جلوگیری از کار کودکان، رسمیت یافتن اتحادیه های کارگری، حق انتصاب ازجملهٔ حقوقی است که برهبری‌حزب تودهٔ ایران زحمتکشان متشکل در اتحادیه‌های وابسته بشورای‌متحدهٔ مرکزی بدست آوردند.

تجربهٔ دوران فعالیت علنی شورای متحده‌مرکزی نشان میدهد که کسب آزادی های سندیکائی برای‌کامیابی مبارزات روزانهٔ کارگران، برای تحقق بخشیدن بخواستهای اقتصادی و اجتماعی آنان و برای استقلال ملی و صلح ضرورت داردوبتواند باپاوحدت عمل توده های وسیع قرار گیرد. اگرمبارزه برای آزادیهای سندیکائی بمبارزات‌مطالباتی وسیعترین قشر های زحمتکشان و بجنبش دموکراتیك عموم خلق پیوند بیابد بتواند بتشکل طبقهٔ کارگر در اتحادیه های صنفی و تحکیم این اتحادیه ها کمك کند.

هیئت حاکمه‌ایران و در رأس آن شاه که با توسل بکشتیه و اعدام، حقوق و آزادیهای‌دموکراتیك‌مصرح در قانون اساسی و اعلامیه‌جهانی‌حقوق‌بشر را از طبقه کارگر و عموم زحمتکشان‌ایران سلب کرده‌اندبرای اینکه جبههٔ ضد دموکراتیك خود رابپوشانند از وجود قانون کار و آزادیهای سندیکائی دم میزننددرحالیکه کارگران با تجربه روزانهٔ خود دروغ و پوچ بودن این ادعا را درك میکنند. وقتی میتوان از وجود آزادیهای سندیکائی بمعنای واقعی کلمه سخن گفت که زحمتکشان بتوانند بدون دخالت کار فرمایان و سازمان امنیت و سایر سازمانهای دولتی آزادانه اتحادیه های خود را تشکیل دهند، در هر گونه فعالیت‌سندیکائی شرکت جویند، در محل کار و یا خارج از آن برای بیان نظریات خود در مسائل مورد علاقهٔ خویش جمع شوند، مطبوعات خود را منتشر کنند، نمایندگان موزد اعتماد خویش و رهبران اتحادیه ها را انتخاب نمایند و در هر اقدامی که‌برای‌دفاع‌از منافع زحمتکشان بعمل میآید شرکت جویند، از حق اعتصاب و تظاهر و اشکال دیگر مبارزات سندیکائی بر خوردار باشند، استاسامهٔ اتحادیه خود را بدون‌دخالت دولت و کارفرمایان تنظیم و اجراء نمایند، با سازمانهای سندیکائی کشور های دیگر و سازمانهای سندیکائی بین‌المللی آزادانه در ارتباط باشند. کارگران ایران میدانند که رژیم شاه مجموعهٔ این حقوق و آزادیها رااز آنها سلب کرده است.

گردانندگان‌رژیم میکوشند با لفاظی های عوام‌فریبانه بنعاد غلط هماهنگی طبقاتی همکاری‌استثمار گران و استثمار شوندگان‌را در بین کارگران رسوخ دهند و آنها را با وعده هائی از قبیل سهیم کردن در سود کارخانه بفریبند ولی تجربه روزانه پوچ بودن همهٔ این لفاظیها را بکارگران نشان میدهد. رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك کنونی کلیهٔ قوانین از آنجمله قوانین کار و بیمهٔ اجتماعی را که تا حدودی متضمن منافع زحمتکشانست‌بلا اجرا میگذارد. طبق قانون کار «حد اقل مزد کار گر عادی با توجه به حوائج ضروری و هزینهٔ زندگی در نقاط مختلف کشور باید طوری باشد که تأمین زندگی یك مرد و یك زن و ۲ فرزند ۲۳ سال پیش بین ۳۱ تا ۴۰ ریال تعیین گردید. اینك در حالیکه هزینه زندگی طی این مدت حد اقل چهار برابر افزایش یافته حداقل مزد بمیزان ۵۰ تا ۶۰ ریال یعنی ثلث مبلغ قانونی تثبیت میگردد. با اینوصف در پوچ بودن ادعا های وزیر کار دربارهٔ حفظ و بالا بردن قدرت خرید طبقهٔ کارگر، حمایت نیروی کار، حمایت اجتماعی از نیروی مولد کشور و غیره جای شکی باقی نمیماند.

وظیفهٔ مقدس کارگران آگاه که مکتب مبارزات طولانی را گذرانده‌اند این است که بازمندها و خواستهای مبرم توده های زحمتکش را در مرکز توجه قرار داده و مشخص کردن حیاتی ترین خواست ها شعار های مبارزه را تنظیم و زحمتکشان را برای مبارزات مطالباتی متشکل و رهبری نمایند، باید در شرایط کنونی که زندگی سندیکائی بمعنای واقعی آن وجود ندارد در سندیکاهای موجود ولو آنکه ایجاد کننده آنها دولت و اداره کنندهٔ کانش عامل‌دولتند شرکت ورزند و با استفاده از قوانین و آئین نامه های موجود این سندیکا ها را بتدریج به وسیله مبارزه صنفی کارگری مبدل سازند. تردیدی نیست که طبقهٔ کارگر ایران با تکیه بتجارب غنی خود و با توجه به تجارب جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در سراسر جهان، با استفاده از پشتیبانی نیرو های دموکراتیك سراسر جهان ودردرجهٔ اول کشورهای بزرگ اردو گاه‌صلح‌وسوسیالیسم خواهدتوانست‌نفوذ امپریالیسم و سلطه‌ارتجاع را بر اندازد و با استقرار یك حکومت ملی و دموکراتیك میهن مارا براه ترقی سوق‌دهد.

کمیته مرکزی حزب توده‌ایران

دنباله از صفحه ۱

بحران مناسبات ایران و عراق

قرار داد ۱۳۱۶ (ژوئیه ۱۹۳۷) در باره شط العرب که روزی با وساطت امپریالیزم انگلستان در آستانه امضاء قرار داد سعد آباد با سلام و صلوات به امضاء رضا شاه موشح گردید امروز به الهام معقال امپریالیستی امریکا و انگلستان و آقسلطان غربی که جای پای خود را بویژه پس از جنگ تجاوزی اسرائیل در عراق و چند کشور دیگر عربی از دست داده‌اند از طرف فرزندوی محمدرضا شاه لغو میگردد.

در اینکه بطوری ایران صاحب سواحل شرقی شط‌العرب که بنادر مهمی مانند آبادان و خرمشهر در آن‌قرار دارد‌دطبق‌مقررات‌بین‌المللی باید احترام گذاشته شود جای تردیدی نیست. در اینکه‌ایران با داشتن طولانی ترین ساحل در خلیج فارس مانند سایر کشورهای ساحل نشین دارای حقوق‌ملی در خلیج فارس است در آنهم تردیدی نمیتوان داشت ولی واقعیت آنست که زمامداران ایران هم هنگامیکه قرارداد ژوئیه ۱۹۳۷ را در باره شط‌العرب امضاء مینمودند و هم امروز که با های و هوی و لشکر کشی آنرا لغو میکنند نقش آتش بیار امپریالیسم وارتجاع‌را ایفاء کرده ومینمایند.

شاه ایران که پس از مسافرت اخیر خود به امریکا بمنظور شرکت در مراسم دفن آیزنهاور یکی از بنیاد گزاران و پشتیبانان واقعی رژیم کنونی ایران وملاقات با نیکسون و مشاوره با محافل پنتاگون و همچنین پس از مذاکرات طولانی خود در تهران با ادوارد هیث رهبر حزب محافظه کار انگلستان بچنین اقدامی دست میزند در شرائط کنونی علیرغم تبلیغات بلندگویان رژیم حاکم در ایران بطور عینی اقدامی بنفع امپریالیزم و صهیونیزم در خاورمیانه انجام میدهد. بهمین سبب عدم موافقت ما بااقدامات کنونی دولت ایران نه از آنجهت است که گویا برای ایران بمثابه ساحل نشین شط‌العرب طبق حقوق عادی بین‌المللی حقی قائل نیستیم بلکه بعکس چون اقدامات ماجراجوانهٔ دولت ایرانرا که مغایر در شرائط کنونی بنفع نقشه‌های امپریالیستی در خاورمیانه است مخالف مصالح واقعی مردم ایران و حل واقعی مسئلهٔ شط‌العرب میدانیم با آن مخالفیم. بنظر ما اختلافات‌مرزی دولت ایران و عراق بایدبه بوسیله‌ای تهدید وارعاب و لشکر کشی بلکه از راه مذاکرات مستقیم و دوستانه درچهارچوب حفظ و احترام حقوق دو همسایه و آزاد از هر گونه توطئه امپریالیزم و ارتجاع بهانی حل شود و از ایشراه بحرانی که در مناسبات در کشور بوجود آمده خاتمه یابد. بنظر ما سیاست ایران باید در جهت کمك و همکاری با کشورهائی در خاورمیانه که در صف مقدم مبارزه علیه امپریالزم قرار دارند رهبری گردد. در جهت تبدیل ایران‌بمثابه پایگاه دوم امپریالزم در خاورمیانه علیه جنبش های رهائی بخش ملی و اجتماعی در این منطقه.

ر. خرسند

۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۸

افتخار به شهیدان اردیبهشت رفقا آرسن آوانسیان ، هوشنگ پور رضوانی ، علی عظیم زاده ،خسرو جهانبان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهتاب ، ایوب کلانتری . باشدکه خاطره تابناك این شهیدان مشعل مبارزه نسل جوان قرار گیرد !

از انقلابیگری تا ضد انقلاب

وقتی ما به چپ رو ها میگفتیم که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی آگاهانه یا نا آگاهانه، خواه ناخواه ، عمل بنفع امپریالیسم و ارتجاع تمام میشود، راه را بر ضدکمونیسم در اپوزیسیون ضد رژیم باز میکند ، برخی از دوستان چنین سیاستی را غلرفم انقلابیگری درموضع ضدانقلاب قرار میدهد ، سخت برآشفته میشدند . جمع بندی کوتاهی از فعالیت گروههای رنگارنگ موادار «اندیشه مائوئیسم دونی» پیش از حد انتظار صحت این پیش بینی را بثبوت رسانده است :

۱) مائوئیستهای ایرانی مدعی هستند که «قهرمان» مبارزه با رژیم اند . ولی آنها در بلیتات شفاهی و کتبی خود هدف اصلی حمله و متوجه حزب توده ایران و اتحاد شوروی کرده‌اند. آنهم با چه خصومت و کینه ای . به امپریالیسم و رژیم فقط ناسزا میگویند بدون آنکه به تحلیل عمیق سیاستها و ماهیتهای گوناگون آنها بپردازند، ولی تمام «دانش تئوریك» خود را در خدمت مبارزه سیاسی و ایدئولوژیك با حزب توده ایران و اتحاد شوروی قرار داده‌اند . و این یعنی ایجاد عدم اعتماد و خصومت نسبت به حزب توده ایران و اتحاد شوروی، آنهم در شرایطی که امپریالیسم در صحنه جهانی آتش خود را بر روی اتحاد شوروی و رژیم در ایران فشار خود را بر روی حزب توده ایران متمرکز کرده است . یعنی درست همان نیروهائی که در صحنه جهان وایران سنگین‌ترین بار مقاومت برضد امپریالیسم وارتجاع را بدوش میکشند . آیا جمله پردازی انقلابی بر ضد امپریالیسم و رژیم با این ترتیب مبارزه عملی بر ضد اصیل ترین نیرو های انقلابی میدان نشده است ؟

۲) مائوئیستهای ایرانی با شعار «انقلاب قهر آمیزه میدان آمدند . تفلا های کوچکی نیز برای «براقروختن جنگ پارتیزانی» شده است . ولی نتیجه چه شد ؟ عده ای بیگناه را به کشتن دادند . به رژیم بهانه برای تشدید فشار دادند . چون این شعار خیلی زود در شرایط مشخص کنونی غیر واقع بینانه و ماجرا جویانه از آب در آمد عده‌ای را که به صحت این شعار امید بسته بودند، بأیوس کرد، و ازصحنه مبارزه خارج ساخت . و حالامم بجای آنکه مانند یك کمونیست ومارکسیست ـ لنینیست واقعی به اشتباه سنگین خود اعتراف کنند، با لجاج به این شعار غیر واقع بینانه و ماجرا جویانه در شرایط کنونی چسبیده اند . یعنی با گمراه ساختن مردم و فریبکاری ادامه میدهند . آیا این روش شایسته یك انقلابی واقعی است ؟

۳) مائوئیستهای ایرانی وانمود میکنند که «اندیشه مائوئیسم دون مارکسیسم ـ لنینیسم عصر حاضر است». ولی این «اندیشه» در تئوری و در عمل چیزی جز یك مشت دگم همراه با دوریویزیسم «چپ» که درخدمت شوونیسم و هژمونیسم گروه مائوئیسم دون قرار گرفته است ، نیست . آنها در مماشات دون از مارکسیسم ـ لنینیسم روی برگردانده، اند نه فقط خود سر درگم شده اند و ناچار روز بروز اختلاف نظر بین خودشان تشدید میشود ، بلکه به سردرگمی و نشت فکری در بین نیرو های جوان دامن زده اند . در شرایطی که وحدت فکری و ایدئولوژیك بیش از هر زمان دیگری در مبارزه بر ضد امپریالیسم و رژیم لازم است ، آیا میتوان دامن زدن به سردرگمی ونشت فکری و نشر افکار ضد مارکسیستی را عمل انقلابی نامید ؟

۴) مائوئیستهای ایرانی تشتت فکری را با پراکندگی در عمل تکمیل کردند . آنها درجلسات دانشجوئی و غیر دانشجوئی اختلاف و تفرقه را که مأسفانه در اپوزیسیون ضدرژیم وجود داشت دامن زدند و آنرا به اوج خود رساندند . آیا در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری بوحدت عمل و اتحاد نیروهای ضد رژیم ـ صرفنظر از اختلافات سیاسی و مسلکی ـ نیاز هست دامن زدن به اختلاف و تفرقه یك عمل انقلابی است ؟

۵) مائوئیستهای ایرانی حزب ما را متهم به فقدان «استقلال اندیشه و عمل» میکنند . ولی این مدعیان استقلال در اندیشه و عمل چنان بنده وار در برابر « مائوئیسم دون» سر فرود آورده و تسلیم شده اند که حیرت انگیز است . در نیمه دوم قرن بیستم ، زمانیکه جنبش جهانی کمونیستی کیش شخصیت را بعنوان عنصری بیگانه با مارکسیسم ـ لنینیسم دور کرده،اینان شیوه پرستش قرون وسطائی را رواج میدهند . آنهم بنام انقلاب و مارکسیسم . آیا این تبلیغ ضد مذهبی ، آیادفاع از این بردگی فکری و عملی کوچکترین وجهه شبهی با تفکر انقلابی دارد ؟

۶) مائوئیستهای ایرانی با طرح و دامن‌زدن به مسائل مورد اختلاف سیاسی و ایدئولوژیك در جلسات دانشجوئی و غیر دانشجوئی و وادارکردن شرکت کنندگان در این جلسات به موضع گیری، به شناساندن مخالفان واقعی رژیم و هواداران سازمانهای گوناگون اپوزیسیون ضد رژیم ـ که همه در شرایط سخفی فعالیت میکنند و همه در خطر تعقیب (بویژه هنگام بازگشت به ایران) قرار دارند ـ کمك جدی کردند . آیا میتوان شناساندن مبارزان ضد رژیم را به عمال رژیم عمل انقلابی نام نهاد ؟

۷) مائوئیستهای ایرانی با سیاست ضد توده ای و ضد شوروی خود بهترین پوشش را برای چپ نما ها و عمال دشمن فراهم کردند . زیرا وقتی ضد توده ای و ضد شوروی بودن از نظر آنها «مارکسیسم» و «انقلابی» تلقی گردد ، چگونه میتوان عامل دشمن را که جمله پردازی انقلابی میکند ولی در همانحال بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی تبلیغ و مبارزه میکند شناخت ؟ آیا ایجاد چنین پوششی برای دشمن،عمل انقلابی محسوب میشود ؟

۸) مائوئیستهای ایرانی در مبارزه خصمانه و کینه توزانه خود بر ضد حزب توده ایران و اتحاد شوروی با همه کس متحد شده اند . تنها ملاك همکاری و اتحاد با سایر افراد وگروهها برای آنها موضع ضد توده‌ای و ضد شوروی بوده است . نتیجه اینکه آنها در این اتحاد نامقدس،در کنار ضد کمونیستها ، اناركیستها ، ترتسکیستها و عناصر مشکوك قرار گرفته اند . آیا میتوان با این عناصرمنحرف ودشمن برضد حزب‌توده‌ایران‌واتحاد شوروی‌متحدگردید و مدعی خدمت به‌انقلاب شد ؟

چنین است واقعیت تلخ و دردناکی که با آن روبرو هستیم و ما وظیفه صراحت و صداقت انقلابی خود میدانیم که آنرا آشکار و روشن بگوئیم . متأسفانه باید گفت که این نخستین بار نیست که انقلابیگری به ضد انقلاب تبدیل میشود. زیرا هرکس‌که در اشتباه خود پافشاری کندمرتکب اشتباه سنگین تری میشود که سرانجام ان روشن است . ولی از تجربه تاریخ هم بهتر حال باید درس گرفت . متعدار ما بهمین دلیل است . بدین است که ما تصور باطلی در باره آنها که «متهم» شده اند نداریم . متعدار ما یکباری است که امتحان صادقانه وحسن‌نیتی دارند و درجستجوی راهی برای پیروزی انقلاب ایران هستند . اینها هستند که باید بجای شکستن آئینه حقیقت نما ، بخود آیند و واقعیت تلخ و دردناك را ببینند . ببینند که چشمه گوارائی که پاتها وعده داده بودند، نه فقط سرابی بیش نبوده ، بلکه لجن زاری است که غرق شدن در آن جز آلودگی و نابودی سرانجامی ندارد . ببینند که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی سیاستی است ضد انقلابی وهیچگونه انقلابیگری حتی زیر نام مارکسیسم و کمونیسم‌هم نمیتواند در این واقعیت تلخ و دردناك تغییری بدهد . آزموده را نباید بار دیگر آزمود .

م . اتوشه

شماره جدید
ضمیمه ماهنامه «مردم»

شمارهٔ جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» از کان‌مرکزی‌حزب توده ایران وتشکیلات تهران» بمثابه سند زندهٔ حیات ، جوشش و کوشش حزب ما در ظلمت استبداد انتشار یافت.سر مقالهٔ این شماره اختصاص به‌ارزیابی مبارزات مردم پیکار جوی میهن ما و افشاء کارنامه سیاه هیئت حاکمه در سال گذشته دارد . در این مقاله ضمن اشاره به سخنی ها و دشواریهائی که مردم در سال ۱۳۴۷ چه در نتیجه فهر طبیعت و چه در اثر مظالم‌هیئت حاکمه متحمل شدند گفته میشود ، «در سال ۴۷ مشکلات داخلی بیش از پیش عیان‌شدو طبقه‌حاکمه باز هم برای انقیاد و اسارت‌خلق های مادر جهت منافع امپریالیستهای انگلیسی و امریکائی قدمهای تازه‌تری برداشت‌قسمت اعظم بودجه کشور به ارتش تعلق گرفت قرضه های جدیدی بمنظور خرید سلاح های امریکائی و جنهای فانتوم بحساب آخرین رمق زحمتکشان اخذ گردیدو بر حلقات زنجیر اسارت اقتصادی و سیاسی کشور ما افزوده گردید » سپس با تجلیل از مبارزات مردم در سال گذشته گفته میشود ، « یلان و طراز نامه‌مبارزات مردم ا کناف کشورماتنها در اعتصاب کارگران پترو شیمی آبادان ، کارگران کارخانه شهناز اصفهان ، کارخانه چیت سازی ممتازتهران خلاصه نمیشود ،بلکه مقاومت های کوچك و بزرگ در کلیه زمینه ها چشمگیر بود»

« پیکارجوانان‌در سال گذشته» عنوان مقاله دیگری از شماره‌جدید « ضمیمه‌ماهنامه مردم» است . در این مقاله از مبارزات جوانان و بخصوص دانشجویان در داخل و خارج کشور با شور تمام تجلیل شده‌است . در مقاله از جمله گفته میشود «مبارزه جوانان میهن ما در همه جا چشم میخورد . در قلب کردستان ، در دانشگاههای تهران ، تبریز ، شیراز، در وین و رم ، پاریس و آلمان غربی . نام پرافتخارسلیمان‌میلی و اسمعیل شریف زاده و دهها جوان دیگر کرد برای همیشه در تاریخ پر افتخار مبارزات دلاورانه خلقهای ایران ثبت خواهد شد . جوانان در زندانها و سربازخانه ها ، رو در روی دشمن مقاومت و شجاعت‌بس‌شایسته‌ای از خود نشان دادند . »

پیکریکی جوانان تودهای و دیگر پیکارجوبان جوان شعله‌امید ایمان‌را در دل همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران فروزانتر کرد. جوانان‌ایران‌مقیم خارج با استفاده ازامکانات خود برای افشای جنایات رژیم و کمك به مبارزان اسیر تلاش و پیگیری ارزنده‌ای از خود نشان دادند » . در مقاله سپس‌چنین میخوانیم ، «جوانان عضو حزب تود. ران دانشگاهیان و همه جوانان که در شرایط ترور و اختناق داخل کشور میرزمند ضمن پشتیبانی از اقدامات رفقای خود در خارج پیروزیهای‌بازهم بیشتری را برای آنان‌آرزو میکنند ، و از همه گروهها و جمعیت های‌ملی و مترقی جوانان در خارج از کشور بویژه تودهدانشجویان‌عضو کنفدراسیون دانشجویان انتظار دارد دست اتحاد و وحدت عملی که جوانان تودهای بسوی آنها دراز کرده اند صمیمانه بفشارند ، و به کسانی که تفرقه بین نیرو های ملی و دموکراتیك را دامن میزنند امکان فعالیت ندهند . »

یکی دیگر از مقالات شماره جدید «ضمیمه ماهنامه مردم» دربارهٔ واقعیت بیمه های اجتماعی کارگران است . در این مقاله با استناد به ارقام و تکیه بر اعترافات مسئولین امرانیات‌میشود که اکثریت مطلق کارگران بخصوص‌در شهرستانها از جمله دستبافان‌یزد قالی بافان کاشان و کرمان و خراسان‌اصولا بیمه نیستند و قانون کار در مورد آنها اجرا نمیشود و عده قلیلی هم که از قانون کار و بیمه های اجتماعی استفاده میکنند با هزاران مشکل مانند کمبود پزشك ، فقدان دارو ،

دنباله در صفحه ۶